لا إله إلا الله

الله رسول محمد

الغربــاء

للإعلام

صدى الحق

•AR•

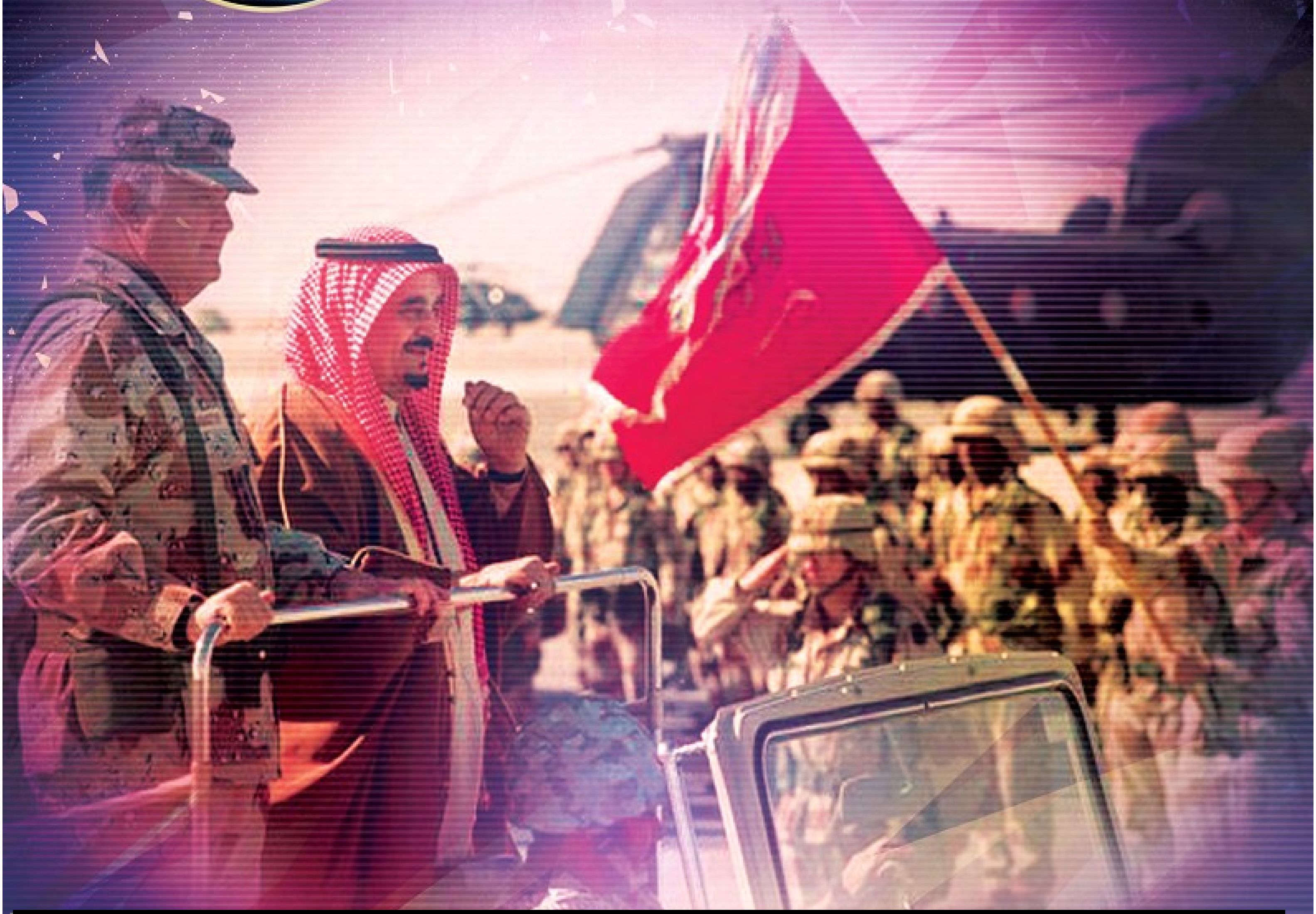

آيا مكه دار الكفر است ؟!

للشيخ المجاهد

أبو أسامة الغريب

فك الله أسره

ترج أبو مصعب الخراسانى

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه فارسي

1435ه 2014م

الغرباء للإعلام

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا مکه دار الکفر است؟!

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على الصادق الأمين و على آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

أما بعد:

بسیاری از برادران نامه های برایم فرستاده بودند و از من خواستار نوشتن رد بر أبو الحسین نام که یکی از دعوت گران ارجاء در کشور آلمان است گردیدند ، که زهر خویش را به زبان آلمانی در میان امت مسلمان عجم انتشار میدهد ، و از جمله دعاوی وی یکی اینست که در حال حاضر مکه دار الاسلام میباشد ، و برین عقیده خویش پابند بوده و بر مخالفین خویش از کسانیکه میگویند مکه در حال حاضر دار الکفر است شدیداً انکار و اعتراض میکند و در حق ایشان بدگوئی مینماید و آنان را به جهل و خارجی بودن و تکفیری بودن و غیره چنین اوصاف یاد کرده و متهم میسازد.

بناً برای احقاق حق و توضیحات روشن درین مسئله و برداشتن پرده از بالای حقایق و قبول درخواست برادران موحد ما خواستم بگویم:

این قضیه از جمله قضایای است که علماء و مشایخ ما اعم از سلف و خلف امت در مورد آن توضحات مفصل و واضیح ارایه کرده اند ، که الحمد لله همه آنها منشر و قابل دسترس میباشد.

و ادعای متذکره مبنی برین که مکه دار الکفر نیست يك ادعای واهی و غیر مستند به دلایل شرعی میباشد ، که چنین سخن گفتن ناشی از هوای نفس و در دفاع و ترفیع طواغیت حُکم در شهرها بصورت عموم و بلاد حرمین بصورت خاص میباشد.

و قبلاً ما در حدود چهار سال قبل با بعضی از برادران مناظره ای را بالای سه قضیه مهم ذیل براه انداخته بودیم:

1- حکم زمامدارانی که شریعت (قوانین) الله را تبدیل کرده و قوانین غیر آنرا میسازند و بر شهر های مسلمانان نافذ میگردانند.
2- حکم دولت سعودی و زمامداران آن.
3- احکام دیار (سرزمین ها) و اینکه آیا مکه دار الکفر است یاخیر؟!

و همینطور در مقابل مردم چندین بار آمادگی خویش را به مناظره با أبي الحسين و امثال اش از دعوت گران ارجاء در هر مکانی که هستند و هر زمانی که میخواهند اعلان کرده ام ، و برین ادعای ما بسیاری از برادران گواه هستند ، که همچنان يك بار برایش در خلال دورس خویش از طریق بالتوك (pal talk) به زبان آلمانی اعلان مناظره کردم و این پیام برای أبي الحسين همچنان رسیده بود.
که این شخص بعداً در جواب، ما و سایر برادران را از داخل شدن در (pal talk room) خویش منع کرده و دعوت ما را به مناظره همچنان نپذیرفت ، و برعکس ما را به جهل و خارجی بودن متهم کرده و گفت: اگر میخواهید با من صحبت کنید اولاً بیآید و از من بیآموزید بعداً باهم صحبت میکنیم!!
و این حادثه را بسیاری از برادران که او را میشناسند و با او دريك شهر زندگی میکنند به خاطر دارند ، و موضع چنین دعوت گران اهل ارجاء را که کبر و سرکشی ایشانرا از مناقشه و مناظره علمی فرا گرفته است به چشم دیده و تشخیص داده اند.

و همچنان بخاطر دارم که یکی از برادران ما در آن روز ها در یکی از مساجد در آلمان جهت ادای نماز رفته بود – چون به مسجد داخل شد امام ایشان در مقابل وی آمد ، که او همچنان از جمله متأثرین مرجئه عصر بود و برایش گفت: [شنیده ام که تو میگوئی مکه دار الکفر است و ساکنین سعودی بصورت عام و از مکه و مدینه بصورت خاص کافر هستند ، آیا این حرف صحیح است؟!].
این برادر ما خندید و برایش گفت: این همه را بخاطر آن از من میپرسید که آیا من را بگذرید درینجا نماز بگذارم یا نه؟
او گفت: جواب من را بده!
این برادر ما برایش گفت: در مورد بخش اول سؤال ات باید بگویم: بلی من این را گفته ام ، و این قول من نه بلکه قول أهل علم میباشد ، که دار [سرزمین] حکم احکامی را میگیرد که غالباً در آن جاری است و نافذ میبیاشد ، اگر احکام اسلام در آن نافذ و جاری بود پس آن سرزمین دار الاسلام و اگر احکام کفر در آن نافذ و جاری بود پس آن سرزمین دار الکفر است ، و این حکم هیچگونه ارتباطی با ساکنین سرزمین ندارد.
اما قول تو برین که من اهل مدینه و مکه و آنچه را سعودی مینامند کافر گفته ام ، از بزرگ ترین افتراء ها و دروغ های است که شنیده ام و در حیات خویش چنین چیزی را نگفته ام ، بلکه نظر به ظاهر حالشان شهادت به اسلام شان میدهم و خفاءی شان را به الله وامیگذارم ، جز آنانکه کفر خویش را بدون مانعی از موانع شرعی که باعث رفع تکفیر از او میشود آشکار سازد [که در آنصورت وی را تکفیر میکنم].

و تسمیه تو برین شهرها بنام سعودی نیز افتراء است ، زیرا آنجا ملك و زمین شخصی آل سعود نیست بلکه بلاد حرمین[1] و جزیرة العرب میباشد.
و چونکه برادر ما بخاطر نزدیکی فوت وقت نماز عجله داشت برایش گفت: بگذار نماز بخوانم بعداً باهم صحبت میکنیم.
او گفت: نه تا زمانیکه من درینجا امام هستم برای هیچ خارجی و تکفیری اجازه خواندن نماز را درین مسجد نمیدهم.
و همه اقدام به خارج ساختن این برادر ما از مسجد کردند ، بلکه او را همچنان در صورت داخل شدن دوباره به این مسجد تهدید به احضار پولیس طاغوت آلمانی کردند.
که این عمل بیانگر جهل و نادانی عجیب این مردم و انعدام حجت ازیشان میباشد ، زیرا واضح و آشکار است که اصل در احکام شرعی توقف و متابعت از دلیل میباشد نه هوای و هوس و آراء و نظریات فردی هر شخص ، زیرا اگر دین به رأی و عقل میبود پس مسح کردن بر کف کشف ضروری تر نسبت به مسح کشیدن بر روی آن می بود ، همانطوریکه علی بن أبي طالب رضی الله عنه این سخن را گفته است[2].
و شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمه الله میگوید: و علم یا با نقل صحیح و تصدیق شده و یا با سعی و کوشش محقق

[1] . شهر های حرام . و وجهه تسمیه آن نیز آیت است که الله متعال مکه را حرم نامیده است ، و نبی صلی الله علیه وسلم نیز فرموده است : إن ابراهيم حرم مكة و أنا أحرم المدينة. سنن النسائي و أحمد بإسناد صحيح. (مترجم).
[2] . رواه أبوداود ، أنظر اعلام الموقعين للإمام ابن القيم رحمه الله 1/47. همچنان از عمر بن خطاب روایت است که در مورد اهل رأی میگوید: أياكم و أصحاب الرأى فإنهم أعداء السنن أعيتهم الأحاديث أن يحفظوها فقالوا بالرأي فضلوا و أضلوا – الدار قطني 4280. انظر فتح الباري 13/289.

حاصل میشود و آنچه ما سوای این دو حاصل شود جز هذیان و دزدی نیست.[3]

اما در رابطه به این موضوع باید بگویم که هچگونه رابطه ای میان دیار و ساکنین آن وجود ندارد ، و ما نمی توانیم بگویم بخاطر آنکه ساکنین يك دیار كفار هستند پس آنجا دار الكفر یا بخاطر آنکه اصل در مردم کفر است پس سرزمین ها همه دار الكفر هستند – بدون آنکه میان دار الکفر اصلی و طارئ فرقی قائل شده باشیم – و اگر چنین گفته شود پس اینچنین مقوله ها و امثال آن از گفته های اهل غلو و جهلالت بوده و ما از ایشان و از یاران شان براءت خود را اعلان میکنیم.
مثلاً زمانیکه صحابه رضوان الله علیهم و ارضاهم مصر را فتح کردند پس آنزمان مصر داخل دارالاسلام کردید و حکم دارالاسلام را به خویش گرفت ، با وجود آنکه اغلبیت ساکنین آن مسلمانان نبودند؛ و همینطور وجود و کثرت مسلمان در مکه بعد از هجرت نبی صلی الله علیه وسلم مانع اطلاق اسمی و حکم دار الکفر بر آنجا نشد.... و الله متعال میفرماید: {**وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ**}؛ ترجمه: اگر (مؤمنان و کافران در مکه) از یکدیگر جدا بودند ، مسلماً کافرانشان را به عذابی دردناک عذاب می کردیم.
پس درینجا با وجود آنکه آنان در آنوقت در مکه – یعنی دار الکفر – بودند الله تعالی ایشارا مؤمنین خطاب کرده است.
و هنگامیکه نبی صلی الله علیه وسلم خیبر را فتح کرد ، ساکنین آنجا همه یهودیان بودند ، آنگاه خواست ایشان را در جهت کشت و زراعت آنجا پذیرفت و بعداً زراعت این

[3] . و العلم إما نقل مصدق و إما بحث محقق ، و ما سوى ذلك فهذيان مسروق. الاستغاثة الكبرى 1/628.

منطقه نيك نيز شد ، اما آنجا بدليل غلبه مسلمان و عُلو احكام اسلام حكم دار الاسلام را بخود گرفت.
و در مقابل زمانيكه أسود العنسي در يمن دعوى نبوت كرد و قوم اش با او يكجا مرتد شد و از او پيروى كردند تا جائيكه در شهر صنعاء حاكم گرديدند ، و والى يمن شهر بن باذان را أسود بقتل رسانيد كسيكه نبى صلى الله عليه وسلم او را به ولايت آنجا گماشته بود ، و بعضى از واليان نبى صلى الله عليه وسلم از آنجا به طرف مدينه فرار كرده بودند تا آنكه در مورد أسود العنسى و كسانيكه با يكجا مرتد شده بودند طلب مشورت نمايند ، اما در آن هنگام مسلمانان تحت حكومت أسود در تقيه[4] قرار داشتند ، و با وجود بقاء شان در دار الكفر و دار الردة و عدم فرار شان به دار الاسلام كافر نگرديدند ، بلكه از ميان آنان كسانى چون فيروز ديلمى و اصحابش بودند كه از خويش استقامت و ثبات نشان دادند و با أسود و لشكريانش به قتال پرداختند تا آنكه أسود را به قتل رسانيدند و لشكريانش را شكست دادند و غلبه مسلمانان و احكام اسلام را دوباره در يمن اعاده نمودند – و اين واقعه در زمان حيات نبى صلى الله عليه وسلم بوقوع پيوست و بر هيچ يك ازين افراد انكار نكرد-.
و هچنان هنگاميكه مصر به دست عبيدى هاى كافر سقوط كرد و ايشان در آنجا سلطه يافتند و حكومت را بدست آوردند ، آنزمان مصر بعداز آنكه دارالاسلام بود به دارالكفر و دار الردة مبدل گرديد ، در حاليكه اكثريت ساكنين و اهل آنجا را مسلمانان تشكيل ميداد[5].
پس ضابطه حكم بر ديار ظاهرش ميباشد ، و آن همانا

[4] . أنظر البدائية و النهاية 6/308.
[5] . نقل شده با تصرف از كتاب (الرسالة الثلاثينية) از شيخ أبي محمد المقدسي – حفظه الله .

غلبه احکام و ظهور آن است طوریکه سیادت و سلطه و حاکمیت از همان احکام باشد.[6]
قاضی أبویعلی رحمه الله میگوید: هر سرزمین که در آن سلطه و حاکمیت احکام کفر بغیر از احکام اسلام باشد آنجا دار الکفر است[7].
و امام مالك رحمه الله در مورد مکه قبل از فتح آن میگوید: و این سرزمین زمانی دار حرب بود ، زیرا احکام جاهلیت در آنجا حاکم و ظاهر بود[8].
و ابن حزم رحمه الله میگوید: انتساب حکم بر سرزمین بر اساس حاکمیت و حاکم و صاحب آنجا میشود[9].
و امام ابن قیم رحمه الله میگوید: آنجائیکه احکام اسلام در آن جاری نباشد دارالاسلام بوده نمیتواند هرچند قبلاً دارالاسلام بوده باشد ، طوریکه طائف نزدیك ترین مکان به مکه بود اما با فتح مکه طائف دار الاسلام نگردید[10].
و سرخسی رحمه الله میگوید: انتساب دار (سرزمین) به ما (یعنی: مسلمانان) و ایشان (یعنی:کفار) به اعتبار غلبه قوت و حاکمیت میباشد[11].
و شوکانی رحمه الله میگوید: اعتبار (دیار) با ظهور کلمه[12] است ، اگر امر و نهی در سرزمینی از اهل اسلام باشد ، پس آن دیار دارالاسلام است ، و ظهور آثار و اعمال کفری (کوچك) آسیبی به شخصیت آن دیار نمیرساند ، زیرا چنین چیزها مظهر قوت و منعت کفار نمیباشد ، همانطوریکه چنین اعمال و آثار از یهودیان و نصاریان و مشرکین اهل ذمه و معاهدین ساکن در شهر

---
[6] . جونة المطيبيين / للشيخ أبي قتادة الفلسطيني – حفظه الله تعالی.
[7] . المعتمد في أصول الأحكام ، ص276.
[8] . المدونة 2/22.
[9] . المحلی 11/200.
[10] . احكام أهل الذمة 1/366.
[11] . المبسوط 10/114.
[12] . منظور از کلمه – مستفاد آیت كلمة الله هي العليا ....و كلمة الذين كفر سفلى میباشد (مترجم).

های اسلامی مشاهده میشود ، و اگر امر برعکس این بود پس دار نیز برعکس آن است[13].
و بغدادي در [أصول الدين][14] ، حسن الشيباني در [السير الكبير][15] و [كشاف القناع][16] نیز چنین میگوید[17].
و همچنان همین قول از علماء دعوت نجدی نیز روایت است ، همانطوریکه شیخ حمد بن عتیق رحمه الله میگوید: آنچه را محققین درین زمینه مقرر کرده اند و من از آن اطلاع یافته ام اینست که هرگاه در سرزمینی شرك [و كفر] ظهور کند ، و اساسات و نشانه های دین تعطیل گردد ، آن سرزمین و دیار دارالکفر میگردد.
و همچنان میگوید: و چون شرك [در دیاری] ظهور کند مانند؛ دعاء یا استغاثه به کعبه ، و مقام [ابراهیم] و حطیم ، و استغاثه انبیاء و صالحین...و یا عام شدن توابع شرك و کفر مانند؛ زنا ، و ربا و انواع ظلم و فحشاء ، و ترك و توهین [و طعن] به سنت ، و عام شدن بدعت و احداثات ، و تحاکم به امراء ظلم و برزگان مشرکین و طواغیت ، و دعوت بسوی غیر قرآن و سنت...پس معلوم است این سرزمین هر سرزمینی که باشد بدون کوچکترین شك و تردید از نظر کسیکه حتی در ادنی ترین مرحله تحصیل علوم دین قرار داشته باشد سرزمین و دار لکفر و شرك میباشد ، و هیچگونه تأویل و توجیه ای وجود ندارد که ایشان دشمن توحید و مساعدین در تباهی دین و تخریب شهرهای مسلمین نیستند ، و اگر خواستید بالای این کار های ایشان اقامه حجت و دلیل نماید همه قرآن دلیل و حجت بر علیه ایشان میباشد ، و همچنان علماء بر چنین حکمی برین دیار اجماع دارند و نزد هر

---

13 . السيل الجرار 4/575.
14 .ص 270.
15 . 1/251.
16 . 3/38.
17 . همه اقوال به نقل از (جؤنة المطلیبیین) و (الرسالة الثلاثينية).

عالم این یك امر ضروری و غیر قابل انکار در دین میباشد.[18]
و اگر در کلام شیخ حمد رحمه الله تأمل صورت گیرد با تجرید فهمیده میشود که بحق منظورش طواغیت [آل سلول[19]] میباشد.
و همینطور علماء دعوت نجدیه (طوریکه از صحبت هایشان معلوم میشود «جزیرة العرب بشمول مکه و مدینه» نزد ایشان دار کفر بوده است زیرا ایشان در امراء و رؤسا کفر و در و وضع قوانین طاغوتی و نافذ ساختن آنها بالای خون و مال مردم همه مخالفت و تناقض با نصوص شرعی را میدیدند ، طوریکه هرگاه این حکام در قضیه ای مواجه میشدند کتاب الله را پشت سر خود میانداختند و بطرف قوانین وضعی میرفتند)، همانگونه ای که شیخ عبداللطیف آل الشیخ – رحمه الله میگوید[20].
و شیخ سلیمان بن سمحان رحمه الله در شعری میگوید:

إذا ما تغلب كافر متغلب على دار إسلام و حل بها الوجل
و أجرى بها أحكام كفر علانيا و أظهرها فيها جهاراً بلا مهل
و أوهن بها أحكام شرع محمد ولم يظهر الإسلام فيها و ينتحل
فذي دار كفر عند كل محقق كما قال أهل الدراية بالنحل
و ما كل من فيها يقال بكفره فرب امرئ فيها على صالح العمل[21]

---

[18] . الدرر السنية 9/260-261 به نقل از جؤنة المطيبيين.
[19] . مراد نویسنده از آل سلول – آل سعود- است. والله اعلم.
[20] . الدرر السنية 3/67 نقلته عن جؤنة المطيبيين.
[21] .به نقل از (رسالة الثلاثية).
[هنگامیکه کافر غالب و صاحب سلطه ...بر دار الاسلام گردید و قدرت توانا (حاکمیت) را بدست آورد].

این بعضی از گفته های اهل علم و درایت در دین بود که تأکیداً خواستیم آنرا درینجا ذکر کرده و به آنها در موضوع حاضر استناد کنیم ، و آنچه ما را بیشتر وادار به نقل این سخنان کرد کتب بعضی از مشایخ این منهج درین زمان بود که از فتنه و اتهامات مرجئه عصر به غلو و خارجی بودن در امان نمانده اند ؛ تا آنکه برای خواننده صحت منهج این علماء واضح شود که ایشان به طریق و روش سلف صالح رحمهم الله بدون انحرافی قرار داشته اند.
پس ای برادر خواننده! این امر همانطوریکه مشاهده میکنی قول جمهور علماء از سلف و خلف امت میباشد ، اما سخنان اکثریت از مخالفین درین عصر هیچ استنادی جز هوای و آراء نفسانی ندارد و مساوی است که ایشان از غلاة مرجئه عصر باشند ویا خوارج غلو.
پس هر سخنی بر خلاف آنچه بیان کردیم به معنی حکم کردن به اعتبار مردمان ساکن دار میباشد ، هرچند این حکم باعث تکفیر مسلمانان گردد و یا سبب حکم به مسلمان بودن کفار ، و این کاملاً سخن باطلی است.
زیرا اغلب سرزمین های مسلمانان امروز در قید تسلط کفار و حکام مرتد قرار دارد ، که شریعت الله را تغیر داده اند ، و با دین الله و اولیاء او به دشمنی پرداخته اند ، دعوت گران توحید و مؤحدین را به زندان ها میاندازند و مجاهدین را یکجا در ائتلاف با صلیبی ها و

[و هنگامیکه احکام کفر بصورت آشکار در آن جاری بود.....و با خاطر جمعی تمام علناً آنرا ظاهر ساختند].
[و در مقابل احکام شریعت محمد صلی الله علیه وسلم ساده گرفته شود....و اسلام را هرگز ظاهر نسازند و بربایند].
[دار کفر در نوع خود خاص و بینظر است نزد هر محقق.....همانطوریکه درینمورد اهل علم و درایت به سرزمین ها سخن گفته اند]
[و جز به کفر این دیار هیچ یك ازیشان سخن نگفته اند.......هرچند صاحب عمل یا امیر آنجا بر عمل صالح و نیك قرار داشته باشد].

يهوديان در حرب بر ضد اسلام و مسلمانان بقتل میرسانند.
و این یك ادعای محض نیست بلکه امر واضح و آشکار در بلاد حرمین میباشد ، حکم بغیر ما انزل الله و تبدیل شریعت الله ، فروختن شهر های مسلمانان به لشکر صلیبی برای خدمت به صلیب و ساختن پایگاه های نظامی صلیبی جهت حرب و قتال با مسلمانان ، قتل علماء و مجاهدین و مؤحدین ، مانند؛ برادران ما عبدالعزیز المعثم ، و ریاض الهاجري ، و مصلح الشمراني ، و خالد السعید ، و عبدالعزیز المقرن ، شیخ یوسف العییري- رحمهم الله و تقبلهم- همه از موارد و امور کفری و شرکی میباشد.[22]
در حالیکه همه این اشخاص محض جهت ارضای خاطر صلیبی ها بقتل رسانیده شده اند ، و هیچ گناهی نداشتند جز اینکه از جمله مجاهدین [و مؤحدین و دعوت گران توحید بوده اند].
همینطور شاهد بودیم که مساجد را بر بالای مجاهدین و صالحین تخریب کرده اند ، طوریکه این واقعه با برادر ما ترکی الدندني رحمه الله و تقبله در مسجد الجوف رخ داد.
و قسمیکه مسجد شیخ زاهد و عابد علامه الغریب عبدالکریم بن صالح الحمید فك الله أسره را در بریدة تخریب کردند.
و اینکه در حق هزاران تن از علماء و دعوت گران و مجاهدین و مؤحدین چه ظلم های را مرتکب شده اند و ایشان را به زندان انداخته اند و بر جان ، مال و حدود و اعراض ایشان تجاوز کرده اند کاملاً آشکار و واضح است

[22] . دلیل کفر کشتن دعوت گران توحید و علماء این آیة است: {**إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ، أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ}.-آل عمران-20-21.** (مترجم).

و اگر خواستید میتواند از ایشان در باره زندان های الحائر ، و الرويس و الدمام و غيره...بپرسید.
که ازجمله این زندانی ها مشایخ توحید و جهاد مانند؛ علي الخضير ، ناصر الفهد ، الخالدي ، وليد السناني ، و آل زعير و فارس الزهراني ، عبدالكريم الحميد وغيره- فك الله أسرهم و ثبتهم – درین زندان ها در اسارت ایشان قرار دارند.

این بعضی از مصائب این حکومت مرتد بود که مختصراً یادآوری کردیم ، و جهت دانستن اسباب ارتداد و کفر بیشتر این دولت طاغوتی به کتب که درین زمینه تألیف گردیده است مراجع صورت گیرد ، مانند:

- الكواشف الجلية في كفر الدولة السعودية ، از شیخ علامة أبي محمد المقدسي – حفظه الله و فك أسره.
- التتار و آل سعود از شیخ شهید – كما نحسبه – عبدالله الرشود رحمه الله و تقبله .
- رسالة إلى أهل الجنوب از شیخ فارس بن أحمد آل شويل الزهراني فك الله أسره و ثبته.
- نصحية إلى العساكر از شیخ فارس بن أحمد الزهراني.
- التبيان في كفر من أعان الأمريكان از شیخ ناصر الفهد- فك الله أسره و ثبته .
- وغیره کتب.

و در اخیر: ای برادر محبوبم این را بدان که حق واضح و آشکار است ، پس برحذر باش!! از غلو کننده گان در علم ، و تاجران دین ، و فقهاء ی درهم و دینار ، آنانیکه دین خویش را در مقابل قیمت ناچیز بفروش رسانیده اند ، و بنام زاهد و عالم اشتهار یافته اند در حالیکه جهت طلب رضایت و بلند بردن مقام و قدرت طواغیت شرق و

غرب میکوشند؛ زیرا آنان اسباب مفسده دین و خسران آخرت ات میباشد.
و کوشش کن که از جمله طائفه ای منصوره تا قیام قیامت باشی ، آنانیکه استوار به أمر الله بوده و دشمنی و مخالفت هیچ کسی برایشان ضرر و آسیب نمیرساند ، همانطوریکه راستگوی تصدیق کننده این خبر را برای ما داده است.
و این چنین افراد کسانیکه هستند که ایشانرا هرگز در مقابل دروازه های سلطان ، ویا در سعی و کوشش طلب مال و متاع دنیا نمی یابی، بلکه ایشان همواره در پشت میله های زندان در تحت شکنجه های گوناگون ، و یا در مناطق جهاد فی سبیل الله و در بالای کوه ها و خطوط مقدم حرب و قتال با دشمن در شرایط سخت مقابله و مقاومت قرار داشته اند.
و الله برادر و رفیق محبوب ما أبي عبدالرحمن الأنصاری را حفظ و رحمت اش کند آنجا که میگوید:

لو أن أهل العلم صانوه لصا نهموا ولكن دنسوه تجهما
أما الذي بالحق دوى صادعاً أضحى قتيلاً أو سجيناً معمدما

پس عجله کن ای عبدالله بر پیوستن با قافله ای که دین را نصرت میدهد و با عزت تمام پیروز دنیا شو و با فخر تمام پیروز آخرت ، و این همانا [الفوز العظیم] پیروزی بزرگ موعود الله عزوجل میباشد.
الله همه ای ما را در حفظ و پناه خود از زیغ و ضلالت و جهل و عناد و اتباع سبیل مجرمین داشته باشد ، و ما را در جهت ادای امانات که بر بالای دوش خویش داریم کمك نماید.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين
صلى الله على الرسول محمد ما طار طير في السماء و سلما
و ما را از دعاء های نیك خویش فراموش نکنید.
نوشته شده توسط:
المعتز بالله
أبو أسامة الغريب

لا إله إلا الله
الغرباء
للإعلام
صدى الحق
AR
www.alghurabamedia-ar.jimdo.com
twitter.com/alghuraba_ar
facebook.com/alghuraba.media.ar
You Tube
youtube.com/alghurabamediaar